

تحلیل منازعه ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران با استفاده از نظریه بازی‌ها

سید مهدی خاتمی^۱
ابراهیم انوشه^{۲*}

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل وضعیت فعلی منازعه ایران و رژیم صهیونیستی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران صورت پذیرفته است. در این راستا از ابزار نظریه بازی‌ها استفاده شده است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. فرضیه پژوهش عبارتست از اینکه در آینده نزدیک ایران استراتژی‌های مبتنی بر توسعه برنامه هسته‌ای و خروج از برجام و رژیم صهیونیستی استراتژی‌های مبتنی بر جلوگیری از توسعه و توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در پیش خواهند گرفت. از یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که تمامی حالات مربوط به خروج از برجام و توسعه، نسبت به حفظ وضعیت موجود و حفظ وضعیت موجود نسبت به پایبندی به برجام و عدم توسعه و همچنین پایبندی به برجام و عدم توسعه نسبت به برخورد نظامی ترجیح دارد. از سوی دیگر، راهبرد کلی رژیم صهیونیستی جلوگیری از توسعه و توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حتی به قیمت جنگ (محدود یا سراسری) می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

نظریه بازی‌ها، برنامه هسته‌ای، برجام، منازعه.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

^۲ استادیار روابط بین الملل و عضو هیئت علمی واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

مقدمه

روابط ایران و رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیس این رژیم تاکنون با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است. در دوران حکومت پهلوی با وجود مخالفت‌های گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، روابط دو طرف بر مبنای همکاری قرار داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و رژیم اسرائیل بلافاصله قطع شد. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و اسلامی خود رژیم اسرائیل را فاقد مشروعیت قلمداد کرد و خواستار نابودی آن شد.

اسرائیل در طی سال‌های اخیر و تحت رهبری نتانیاهو، همواره درصدد بوده با متهم کردن ایران به مواردی مانند دخالت نظامی در یمن، تحریک شیعیان بحرین، حمایت گسترده نظامی و اقتصادی از حزب الله لبنان و بی‌ثبات کردن مرزهای شمالی اسرائیل، انجام اقدامات ترورستی و بی‌ثبات کننده در اروپا، حمایت از گروه‌های تروریستی و کارتل‌های مواد مخدر در آمریکای لاتین، آزمایش موشک‌های بالستیک با قدرت حمل کلاهک هسته‌ای و مهم‌تر از همه تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، ایران را به عنوان مهم‌ترین چالش منافع منطقه و غرب و اصلی‌ترین عامل جهت برهم زدن صلح و ثبات بین‌المللی نشان دهد. در این بین، اتهام پی‌گیری برنامه هسته‌ای جهت ساخت تسلیحات هسته‌ای بیش دیگر موارد مورد تاکید و پی‌گیری رهبران رژیم اسرائیل و البته مورد حمایت نسبی دولت‌های غربی بوده است. توسعه‌ی برنامه هسته‌ای ایران و نهایتاً اعلام دستیابی این کشور به فن‌آوری چرخه سوخت هسته‌ای واکنش‌های بسیاری را از سوی سران کشورهای غربی و برخی دولت‌ها و رژیم‌های منطقه‌ی خاورمیانه در پی داشته است.

در طی این سال‌ها بیشترین موضع‌گیری‌ها و انتقادات منطقه‌ای از سوی اسرائیل بوده که حتی اگر بخواهیم از زاویه دید کلان و جهانی به موضوع بنگریم، باز هم اسرائیل در راس مخالفان برنامه هسته‌ای ایران قرار می‌گیرد. در رابطه با این مخالفت‌ها به دلایل فراوانی می‌توان اشاره کرد. گذشته از علل ایدئولوژیک که در خصوص عدم به رسمیت شناختن این کشور از سوی ایران مطرح است، می‌توان گفت وجود یک قدرت هسته‌ای در خاورمیانه و برقراری توازن هسته‌ای با تنها دارنده این قدرت در منطقه (یعنی اسرائیل) برای این کشور غیرقابل تحمل است (درویشی سه تلانی و صاحبی، ۱۳۹۴: ۲۲).

به عبارت دیگر، اسرائیل با این دیدگاه که در صورت تجهیز ایران به فن‌آوری هسته‌ای، ایران این توان را خواهد داشت که در آینده نزدیک به عنوان قدرتمندترین عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه تبدیل شود و در نتیجه موجودیت این رژیم را به شکل فوری مورد تهدید قرار دهد،

احتمالا از تمامی ابزارها و راهکارهای موجود در راستای محدودسازی و انزوای ایران و اعمال فشار همه جانبه بر این کشور و حتی در صورت لزوم استفاده از ابزارهای سخت نظامی به منظور توقف فعالیت‌های هسته‌ای استفاده خواهد کرد.

طبیعی است که در چنین شرایطی، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر انجام تلاش‌های جدید مبتکرانه‌ای برای اندیشیدن در مورد مشکلات مربوط به حفظ توازن منطقه‌ای قرار دارد. این امر به معنای آن است که نیروی موازنه‌گر باید بتواند از الگوی کنش دیپلماتیک و امنیتی بهره گیرد که تعادل و موازنه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. این امر را می‌توان انعکاس نقش‌آفرینی و مشارکت تعاملی ایران با قدرت‌های بزرگ، واحدهای منطقه‌ای، نهادها و سازمان‌های امنیتی در روند منازعات منطقه‌ای دانست (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

با در نظر گرفتن تغییرات بنیادینی که در معادلات منطقه‌ای و موازنه قدرت در خاورمیانه پس از همسویی دولت‌های راست‌گرا در اسرائیل، ایالات متحده و عربستان سعودی به وجود آمده و با توجه به روند شتابان تغییرات و تحولات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط زمانی کنونی، مدیران سیاسی و سکان‌داران دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی کشور باید خود را برای ایجاد تغییرات لازم در نگرش‌ها و دکترین سیاسی، امنیتی و نظامی خود بیش از پیش آماده کنند. براین اساس مساله اصلی پژوهش عبارتست از اینکه: ایران و اسرائیل چه راهبردهایی را در زمینه برنامه هسته‌ای ایران در پیش خواهند گرفت؟

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران

علیرغم این که اولین جرقه‌های حرکت ایران برای دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای با همکاری دولت آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ زده شد و ایران در سال بعد به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای درآمد (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۶)، لکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به تعهدات همکاری خود عمل نکرد و ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ به همکاری با روسیه روی آورد. در سال ۲۰۰۲ با گزارش گروهک مجاهدین خلق (منافقین) و در سال ۲۰۰۳ با اعلام خبر تهیه سوخت هسته‌ای توسط متخصصین ایران برای نیروگاه‌های هسته‌ای خود (رضوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۴)، روابط تیره ایران با غرب از یک‌سو، و اسرائیل که ایران هسته‌ای را به

مثابه تهدید فوری برای موجودیت خود تلقی می‌کرد، از سوی دیگر، وارد دور تازه‌ای از منازعه شد.

از زمان اعلام دستیابی ایران به فن‌آوری چرخه سوخت هسته‌ای، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به یکی از مهم‌ترین موضوعات و دستور کارهای بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است. از آن پس فعالیت‌های هسته‌ای ایران نه تنها یکی از محورهای و مسایل اساسی سیاست خارجی کشور را تشکیل می‌دهد، بلکه مولفه و متغیر تاثیرگذاری در مناسبات جهانی و منطقه‌ای به شمار می‌رود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۶). با وجود تهدیدهای فزاینده اسرائیل و فشارهای جامعه جهانی به رهبری ایالات متحده جهت توقف برنامه هسته‌ای، ایران به توسعه برنامه هسته‌ای خود ادامه داد و در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که موفق به غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۳/۵ درصد شده، و همچنین، در سال بعد دستیابی ایران به چرخه کامل تولید سوخت هسته‌ای اعلام شد. در سال ۲۰۱۱ ایران خبر ساخت میله سوخت هسته‌ای ۲۰ درصد غنی شده و بارگذاری آن در راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی تهران را منتشر کرد (رضوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۴).

چارچوب نظری

در مباحث امنیتی، تسلط رویکرد واقع‌گرایی در شکل کلاسیک و سپس جدید خود انکارناپذیر است. این تسلط در قالب گفتمان دولت محوری، اهمیت قدرت فیزیکی و قهرآمیز، تاکید بر امنیت دولت و قرار دادن جنگ و صلح در کانون روابط بین‌الملل، تبعیت قواعد حقوق بین‌الملل از خواست قدرت‌های بزرگ و نقش ابزاری سازمان‌های بین‌المللی تجلی یافت (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۴۰). از این رو و با عنایت به اصول و مفروضات این نظریه، بکارگیری رویکرد واقع‌گرایی، در تحلیل منازعه ایران و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای مناسب به نظر می‌رسد. همچنین، در طی سالیان گذشته استفاده از نظریه بازی‌ها از سوی نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران مکتب واقع‌گرایی، نسبت به سایر مکاتب متداول تر بوده است. موضوعات و مسائل مربوط به جنگ و صلح و موازنه قوا در روابط بین‌الملل از مهم‌ترین موضوعات تحلیلی نظریه بازی‌هاست که معمولاً توسط نظریه‌پردازان مکتب واقع‌گرایی مورد استفاده قرار گرفته است. مدل‌های بازی غالباً بر بعد نظامی و امنیتی متمرکز شده‌اند که در متداول‌ترین شکل بازی دو دولت درگیر که هر یک درصدد محافظت از خود در مقابل دیگری (اصل بقا) و یا چیرگی نظامی (نزاع بر سر کسب قدرت) هستند، صورت‌بندی می‌شود. حوزه دیگر در مطالعه جنگ، رفتار بازیگران در

طول جنگ و نوع استراتژی‌هایی است که برای غلبه بر حریف انتخاب می‌کنند که این در موقعیت‌ها، مدل بازی برد- باخت بهترین تبیین را ارائه می‌دهد.

نظریه بازی‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های وابسته به یکدیگر را چارچوب‌بندی می‌کند، یعنی هنگامی که کنش‌های دو بازیگر و یا بیشتر (یا کنش‌گران جمعی مانند اتحادیه‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی) مشترکاً نتایج مشخصی را به بار می‌آورند انتخاب‌های این کنشگران متأثر از محیطی قالب‌ریزی و شکل می‌گیرد که خود را در آن می‌یابند و نهایتاً شامل ماهیت ارتباط متقابل بازیگران نیز می‌شود. در واقع می‌توان اظهار داشت نوع بازی‌ای که این بازیگران در حالات مختلف به آن می‌پردازند، ساختار انگیزه آن‌ها را شکل می‌دهد. بر این اساس، نظریه بازی‌ها، ابزاری برای صورت‌بندی ساختارهای سیاسی و امنیتی، و بررسی اثرات این ساختارها بر تصمیمات افراد به دست می‌دهد. در تمامی مدل‌های نظریه بازی‌ها، فرض‌مان بر این اصل اساسی استوار است که هر یک از دو فرد دارای مجموعه اولویت‌هایی هستند که ریشه در منافع بازیگران داشته و در بازی‌ای درگیرند که بر حسب رابطه اولویت‌های آن‌ها تعریف شده است. لازم به ذکر است که کل اطلاعات ما، به رتبه‌بندی اولویت‌ها و رابطه آن‌ها با یکدیگر مربوط می‌شود. بازی مزبور توصیف ساختاری است که هر یک از بازیگران خود را در آن بیابند.

در واقع، نظریه‌ی بازی‌ها نظریه‌ای ریاضی برای طراحی، تحلیل و تبیین موقعیت‌های تعارض‌آمیز است که در آن بازیکنان درگیر، بر اساس قواعدی در معرض انتخاب‌های گوناگون قرار دارند. با به کارگیری این نظریه می‌توان به بررسی رفتار منطقی بازیکنان پرداخت و استراتژی‌های مورد استفاده آن‌ها را تحلیل نمود و پیشنهادهایی سنجیده برای بهبود انتخاب‌ها به منظور کسب بیشترین سود و کمترین زیان ارائه نمود. همچنین این نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با هم را مطرح می‌سازد که می‌توان از آن‌ها چارچوبی برای تفکر در مورد پدیده‌های بسیار پیچیده نیز ایجاد نمود. اساسی‌ترین مفروضه‌ی نظریه‌ی بازی‌ها عقلایی بودن رفتار و انتخاب‌های انسانی است (گل‌پرور و شهابی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). از متفرعات این بحث پیش‌فرض دومی شکل می‌گیرد مبنی بر این‌که رفتار انسان مشابه رفتار دستگاه‌های مکانیکی پیش‌بینی‌شدنی است. با این تعبیر عقل مورد نظر آنان عقل مقدر است، بنابراین جایگاه چندان‌ی برای اختیار انسان پیش‌بینی نشده است. از تلفیق این دو پیش‌فرض، پیش‌فرض سومی مطرح می‌شود که تصور می‌شود که با اتکا به عقلانیت بازیگران و محدودیت تعداد بازیکنان، برای هر یک از دو طرف این بازی این امکان وجود دارد تا کلیه حرکت‌های ممکن خود و رقیب

و نتایج و پیامدهای ناشی از آن را محاسبه کند. توماس شلینگ^۱ با افزودن مفروضه چانه زنی به این نظریه جلوه‌ای از اختیار انسان را در تعدیل رفتار عقلایی داخل نظریه بازی‌ها می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۹۲).

امروزه، طراحان جنگی سناریوهایی را که نمی‌توان در صحنه واقعی جنگ مورد آزمون عملی قرارداد، در بازی‌های جنگی و بدون وارد ساختن کشتار و خسارت می‌آزمایند. نقش ویژه تئوری بازی‌ها کشف قوانین حاکم بر بازی‌های جنگی و بکارگیری این قوانین در پیش‌بینی حاصل بازی و از آن طریق پیش‌بینی نتیجه جنگ است. از آنجا که طرح‌ها و استراتژی‌های معتبر می‌بایستی بر اساس فرضیات واقع‌گرایانه اتخاذ گردند، لذا درک و استفاده از تئوری بازی‌ها اهمیت فوق العاده‌ای پیدا کرده است (روشندل، ۱۳۷۲: ۲۰۱).

مفاهیم تئوری بازی زمانی بکار می‌رود که عمل و نقش بیش از یک عامل روی هم اثر می‌گذارند. مفاهیم تئوری بازی، زبانی را ارائه می‌دهد که بتوان سناریوهای استراتژیک را فرموله کرد، ساختار آن را معین نمود، آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و فهمید (حسن بیگی و همکاران، ۱۳۹۵). بر این اساس، در نظریه بازی‌ها نتیجه مورد انتظار به این دلیل اتفاق می‌افتد که افراد با علم بر رتبه‌بندی اولویت‌های خود و ساختار بازی، و با توجه به شرایط موجود برای رسیدن به بهترین پاداش بازی می‌کنند. به این تعبیر، تبیین مبتنی بر نظریه بازی‌ها، نوعی تبیین ساختاری است (دودینگ، ۱۳۹۰: ۳۳).

در انتها باید این مسئله را در نظر گرفت که تفاوت یک بازی با یک موقعیت درگیری واقعی در این است که بازی بر اساس قوانین تعریف شده‌ای انجام می‌شود، در حالی که یک موقعیت درگیری لزوماً شرایط از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد. یک بازی ممکن است شامل دو یا چند طرف درگیر باشد که در حالت اول آن را بازی دو نفره و در حالت دوم آن را بازی چندنفره می‌نامیم. در عمل بازی‌های دونفره اهمیت بیشتری دارند (روشندل، ۱۳۷۲: ۲۰۲)، ما نیز در پژوهش حاضر به تحلیل همین نوع از بازی‌ها خواهیم پرداخت. همچنین در این پژوهش نتایج ناشی از بازی را - که لزوماً رخدادهای کمی نیستند - به صورت کمی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد و به آن‌ها عددی فرضی را نسبت خواهیم داد. به عنوان مثال عدد صفر را برای تساوی، عدد +۱ را برای برد و عدد -۱ را برای باخت، می‌توان در نظر گرفت، بازی‌ها را می‌توان به روش‌های گوناگون دسته‌بندی کرد. به عنوان مثال بر اساس نوع حرکت، به شخصی و تصادفی و یا بر اساس نوع و مقدار اطلاعاتی که در اختیار هر بازیگر قرار می‌گیرد، به دو دسته بازی با اطلاعات

^۱. Schelling

کامل و بازی با اطلاعات ناقص تقسیم‌بندی کرد. همچنین بازی‌ها را بسته به تعداد استراتژی‌ها ممکن به دو دسته متناهی و نامتناهی می‌توان تقسیم‌بندی نمود.

بازی‌های همکارانه و غیر همکارانه و تعیین نقطه تعادل

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظریه‌بازی‌ها را به دو شاخه بازی‌های همکارانه و بازی‌های غیر همکارانه تقسیم‌بندی کرد. نظریه بازی‌های همکارانه به این می‌پردازد که چگونه بازیگران درباره‌ی تقسیم دستاوردهای احتمالی‌شان با هم به توافق می‌رسند. انواع راه‌حل‌ها کوشش دارند پویای چانه‌زنی در نظریه‌های بازی‌های همکارانه را بازگو کنند، اما نوعاً در نظریه بازی‌های همکارانه روش دقیق هماهنگ شدن اقدامات بازیگران به تحلیل گذاشته نمی‌شود. در مقابل، نظریه‌ی بازی‌های غیر همکارانه به تحلیل انگیزه‌هایی می‌پردازد که بازیگران برای انجام برخی اقدامات در چارچوب تعامل خودشان دارند. در بازی غیر همکارانه مشخص می‌شود که بازیگران چه کسانی هستند، چه گزینه‌هایی دارند، ترتیب گزینه‌هایشان چیست، بازیگران هنگام انتخاب چه اطلاعاتی دارند و چه ارزشی برای نتایج مختلف قائل‌اند. حل این‌گونه بازی‌ها از طریق یافتن نقطه تعادل آن‌ها است. نقطه تعادل، مجموعه اقداماتی در بازی است که با فرض این که همه‌ی بازیگران اقدامات یکدیگر را به درستی پیش‌بینی کرده باشند، هیچ بازیگری نمی‌تواند با تغییر اقداماتش موقعیت خود را بهبود ببخشد در نقطه تعادل، رفتارها با ثبات است. بدین معنا که همه اعتقاد دارند که کاری را که به نفع خودشان است انجام دهند و هیچ بازیگری همواره اقدامات آینده‌ی سایر بازیگران را به نادرستی پیش‌بینی نمی‌کند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۹۷۷-۹۷۸).

مفاهیم پژوهش

۱. موازنه قوا

به معنی توازن بین دولتهاست، رئالیست‌های تاریخی آن را حاصل دیپلماسی (موازنه ایجاد) می‌دانند، در حالی که رئالیست‌ها ساختاری معتقدند که این نظام به سمت توازن تمایل طبیعی دارد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۶۱). در تعریف مورگنتا به عنوان نماد رئالیسم، از موازنه‌ی قوا بوی قدرت موج می‌زند (غنی لو و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). از دیدگاه مورگنتا، تعریف رئالیسم از موازنه قوا، برپایه قدرت تبیین شده است: قدرت طلبی چند کشور برای حفظ وضع موجود یا براندازی آن (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

۲. عقلانیت

عقلانیتی که در این نظریه وجود دارد بر پایه نظریه انتخاب عقلانی است که در شکل خاص آن به صورت عقلانیت ابزاری است (میل، ۱۳۸۸: ۷۷) و بر هزینه-منافع ناشی از اتخاذ تصمیمات تاکید دارد.

۳. بازی با حاصل جمع صفر

یک بازی را وقتی «بازی با مجموع صفر» می‌نامیم که برد یک بازیکن معادل باخت بازیکن دیگر است، یعنی آن چه که یکی از طرفین به دست می‌آورد، درست برابر آن چیزی است که دیگری از دست داده است و به عبارت دیگر مجموع بردها و باختها برابر صفر باشد. از آنجا که در یک بازی با مجموع صفر، بهره‌ی یک بازیگر، برابر است با بهره‌ی بازیگر دیگر با علامت مخالف، واضح است که در تحلیل چنین بازی‌هایی می‌توان تنها بهره یا برد یک بازیگر را در نظر گرفت (روشندل، ۱۳۷۲: ۲۰۳) این قاعده بازی در یک سیستم بسته (ایزوله) جریان پیدا می‌کند.

۴. بازی با حاصل جمع ثابت

در این نوع از بازی سر جمع پیامد به دست آمده از بازی همیشه ثابت است. بدین لحاظ نوعی رقابت بین منافع دو بازیگر وجود دارد؛ اما حاصل آن صفر نیست. در واقع بازی حاصل جبری صفر حالت خاصی از بازی عام حاصل جمع ثابت است در بازی حاصل جمع ثابت نیز، الگویی ناب و یکپارچه از تعارض منافع میان بازیگران جریان دارد. گاه این بازی را اکیداً رقابت‌آمیز می‌نامند (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

۵. بازی حاصل جمع متغیر

در این نوع بازی صرفاً تعارض بر سر منافع بازیگران حاکم نیست، بلکه بازیگران می‌توانند با اتخاذ استراتژی‌های انتخابی خود بر سرنوشت جبری واقعیت مبادلاتی بین خود تاثیر بگذارند؛ مثلاً در نظام دو قطبی منعطف، علاوه بر تعارض منافی که بین بازیگران وجود دارد، بهره گرفتن از بازیگران غیر بلوکی و همچنین جلوگیری از تهدیدات ناشی از جنگ‌های اتمی از نوعی هماهنگی منافع حکایت دارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

۶. استراتژی

استراتژی مجموعه قوانینی است که به گونه‌ای واضح انتخاب هر «حرکت شخصی» بازیگر را با توجه به موقعیتی که در جریان بازی پیش آمده است، تعیین می‌کند. برای آن که استراتژی در یک بازی معنی داشته باشد، آن بازی باید دارای حرکات شخصی باشد، برای بازی‌هایی که فقط

از حرکات تصادفی تشکیل شده‌اند، هیچ استراتژی وجود ندارد (روشندل، ۱۳۷۲: ۲۰۴). بر اساس تعریفی دیگر، همچنین می‌توان استراتژی را، برنامه بازیکن یا دستور انتخاب عمل او در هر شرایط محتمل الوقوعی دانست (رضوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۰). بازیگران در موقعیت‌های مختلف و با توجه به عوامل زمینه‌ای مختلفی نظیر استراتژی‌ها بازیگران رقیب، انواع مختلفی از استراتژی را ممکن است برگزینند. استراتژی کم بیشینه^۱ و استراتژی بهینه، دو نوع اصلی و پرکاربردی هستند که در ادامه با توجه به پژوهش پیش‌رو، مختصراً به توضیح استراتژی بهینه اکتفا خواهد شد:

استراتژی بهینه

استراتژی بهینه عبارتست از مطلوب‌ترین استراتژی ممکن، در این نوع استراتژی، بیشترین امتیاز ممکن برای بازیگر به دست می‌آید. یکی از پیامدهای ممکن که از استراتژی بهینه ناشی می‌شود، نقطه زینی است. نقطه زینی در یک بازی دو نفره با حاصل جمع جبری صفر به وجود می‌آید. این مفهوم که از هندسه گرفته شده، به نقطه‌ای گفته می‌شود که از حیث یک مختصات، کمینه و در آن واحد از حیث مختصات دیگر، بیشینه باشد (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۳). در ادامه جهت تشریح دقیق‌تر ساختار بازی، به ذکر مثالی ساده از منازعه ایران و اسرائیل با استفاده از نظریه بازی‌ها خواهیم پرداخت:

فرض می‌کنیم که استراتژی اصلی ایران پی‌گیری و توسعه برنامه هسته‌ای خود تحت هر شرایطی باشد و در مقابل استراتژی اصلی اسرائیل در این زمینه، جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران باشد. براین اساس، استراتژی‌های انتخابی دو کشور به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۱) جدول استراتژی‌های ایران و اسرائیل

		ایران	
		توقف برنامه هسته‌ای ایران	توسعه برنامه هسته‌ای ایران
اسرائیل	عدم واکنش(خودداری)	α	β
	برخورد نظامی	θ	λ

در جدول فوق که به ساده‌ترین شکل نشان‌دهنده روابط منازعه آمیز ایران و اسرائیل در زمینه برنامه‌ی هسته‌ای ایران است، از حروف اختصاری آلفا (α)، بتا (β)، تتا (θ) و لاندای (λ)

^۱. Minimax

جهت نشان دادن نتیجه گزینش استراتژی‌ها از سوی طرفین بازی استفاده شده است. به عنوان مثال با توسعه برنامه هسته‌ای ایران و راهبرد عدم واکنش از سوی اسرائیل به نتیجه β می‌رسیم.

براساس این جدول و راهبردهای ممکن در این بازی، با عنایت به استراتژی اسرائیل، بهترین عایدی برای این بازیگر-با توجه به استراتژی اصلی جلوگیری از توسعه و توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حتی به قیمت جنگ- α و θ است و بدترین نتایج λ و β است. در مقابل، بهترین عایدی برای ایران-با توجه به استراتژی اصلی پی‌گیری و توسعه برنامه هسته‌ای خود تحت هر شرایطی- β و λ و بدترین نتایج α و θ می‌باشد. حال اگر بخواهیم هزینه منافع (عایدی) ناشی از گزینش استراتژی‌ها را برای دوبازیگر لحاظ کنیم، β نسبت به λ برای ایران، و α نسبت به θ برای اسرائیل هزینه کمتر و منافع بیشتری را در پی خواهد داشت. در نتیجه بهترین نتایج برای این دو بازیگر به شرح زیر می‌باشد:

اولویت‌های ایران $\theta > \alpha > \lambda > \beta$

اولویت‌های اسرائیل $\beta > \lambda > \theta > \alpha$

پیشینه‌های پژوهش

نیکو و سویلمی (۱۳۹۶) نشان دادند روابط ایران و اسرائیل در چهارچوب بازی حاصل جمع صفر قابل تبیین است. به این معنا که وجود این رژیم برای ج.ا. ایران غیر قابل تحمل است و از طرف دیگر اسرائیل، ج.ا. ایران را به دلیل بهره‌مندی از قدرت موشکی و برنامه هسته‌ای و نفوذ چشمگیر در جهان اسلام، تهدیدی وجودی برای خود می‌داند. به همین دلیل، در سطوح مختلف علیه منافع منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا. ایران اقدام کرده است. در این راستا، ایجاد فشار برای جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران راهبرد امنیتی این رژیم به شمار می‌رود.

علوی و فیروز آبادی (۱۳۹۵) نشان دادند که اسرائیل با بهره‌گیری از ظرفیت لابی‌گری در ایالات متحده آمریکا اقدام به امنیتی‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نموده و از این طریق تلاش نموده تا مانع پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران گردد. شهبازی (۱۳۹۳) نشان داد که سوابق رژیم اسرائیل بیانگر آن است که در صورت احساس خطر فوری، نسبت به پیش دستی در وارد ساختن ضربه نخست، تردیدی به خود راه نمی‌دهد. این رژیم تقریباً در تمامی نزاع‌ها با همسایگان خود پیش‌قدم بوده است. اسرائیلی‌ها همواره حمله علیه سایرین را تحت

عنوان «دفاع پیش‌گیرانه از خود» توجیه کرده‌اند و به نظر می‌رسد در مورد هر نوع حمله‌ای به جمهوری اسلامی، اقدام خود را دفاع پیش‌گیرانه قلمداد کنند.

مجیدی و ثمودی پيله رود (۱۳۹۳) نشان دادند مخالفت رژیم اسرائیل با برنامه هسته‌ای ایران مقام‌های اسرائیلی به این موضوع اشاره برمی‌گردد که ایران مسلح به تسلیحات اتمی، نه تنها تهدیدی وجودی برای موجودیت این رژیم خواهد بود، بلکه توانمندی اسرائیل را در محافظت از خود در برابر گروه‌هایی همچون حزب‌الله و حماس محدود خواهد کرد. ترکاشوند و مرادی (۱۳۹۰) نشان داد که قدرت‌های بزرگ رفتارهای دوگانه‌ای را برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اسرائیل در پیش گرفته‌اند. از یک سو ایران را از دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای باز می‌دارند و از سوی دیگر اسرائیل را در تجهیز به سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کنند. این رفتار دوگانه از یک سو و سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل از سوی دیگر، تنگناهای سیاسی و امنیتی متعددی را برای حل و فصل بحران‌های موجود، فراوری قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه قرار داده است. احدی (۱۳۸۵) نشان داد اصل بازدارندگی عنصر بنیادین در رهنامه امنیتی اسرائیل در مواجهه با ایران تلقی می‌شود. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که رژیم اسرائیل، ایران را در هر صورت یک رقیب سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند که باید محدود و ضعیف شود.

ریردان^۱ (۲۰۱۷)، نشان داد بحث عمومی در مورد تهدید هسته‌ای ایران که به توافق هسته‌ای منتهی شد، با ادعاهای فراوان و آزاردهنده درباره توانایی ایران در تولید سلاح‌های هسته‌ای مواجه شده است. آنچه که ظاهراً به درستی در نظر گرفته می‌شود، سناریوهای بدترین حالت نامطلوب است که به طور گسترده به عنوان برآوردهای واقع بینانه از توانایی ایران در انجام یک دستاورد هسته‌ای (غیر صلح آمیز) استفاده می‌شود، و چنین ادعاهایی چندان بی‌طرفانه نبوده است. این موضوع ناشی از تأکید تقریباً منحصر به فرد بر منابع و فن‌آوری‌های مادی است که می‌تواند به راحتی مشاهده، اندازه‌گیری و در طول زمان مقایسه شود. ویشر^۲ (۲۰۱۶) نشان داد در صورت دستیابی ایران به توانایی (ساخت سلاح) هسته‌ای، اسرائیل با کشورهایی که در گذشته رابطه نه‌چندان دوستانه‌ای داشته، بیش از پیش نزدیک شده و ائتلافی را جهت محدودسازی هر چه بیشتر نفوذ منطقه‌ای ایران ایجاد خواهد نمود. کوشنر ریچکما^۳ (۲۰۱۰) نشان داد رهبران اسرائیل از گذشته تاکنون براین باور بودند که اگر

1. Reardon

2. Weisser

3. Kushner Rijpkema

اسرائیل با هریک از رقبای منطقه‌ای خود-کشورهای عربی یا ایران-وارد یک جنگ طولانی شود، قدرت نظامی متعارف اسرائیل کافی نخواهد بود. براین اساس، اسرائیل نمی‌توانست به حمایت نظامی دیگر کشورها و یا تضمین‌های امنیتی وابسته شود و حتی روابط بسیار نزدیک با ابرقدرت‌ها کافی نبود. در عوض، اسرائیل باید به یک توان بازدارنده مستقل متکی باشد تا رقبا و دشمنان منطقه‌ای خود را متقاعد کند که هرگونه تجاوز که بقای اسرائیل را تهدید می‌کند با پاسخ غیرمنتظره‌ای مواجه خواهد شد. بنابراین، گزینه‌ی هسته‌ای بهترین راه حل برای اسرائیل انتخاب شد. براین اساس، دستیابی هریک از رقبای منطقه‌ای اسرائیل به این سلاح نهایی، به معنی تغییر چشمگیر در موازنه قوای منطقه‌ای و تهدید وجودی برای موجودیت اسرائیل تلقی خواهد شد.

در پژوهشی دیگر، که در زمینه تئوری بازی‌ها صورت گرفت، اسبرن و رابین‌اشتاین^۱ (۱۹۹۴) نشان دادند نظریه بازی‌های جعبه‌ای متشکل از ابزارهای تجزیه و تحلیل است که به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا پدیده‌هایی که از طریق تقابل بین تصمیم‌گیرندگان عقلایی مشاهده می‌کنیم را درک کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. در ضمن جهت گردآوری داده‌ها در این پژوهش، از روش مطالعات کتابخانه‌ای (مطالعات اسنادی) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

بازیگران و استراتژی‌ها

با از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و اسرائیل در پرتو پرونده هسته‌ای، ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در این وضعیت ایران، آمریکا و اسرائیل به‌عنوان بازیگران اصلی در این منازعه می‌توانستند استراتژی‌های مختلفی را بر حسب شرایط و در راستای بهینه‌سازی منافع در پیش بگیرند؛ با این که از ایالات متحده آمریکا به عنوان بازدید اصلی مقابل ایران یاد می‌شود، اما باید در نظر داشت که رهبری جامعه جهانی و متحدان این

^۱. Osborne & Rubinstein

کشور جهت هماهنگ‌سازی تحریم‌ها و حتی حمله نظامی علیه ایران، عمدتاً در راستای جلوگیری از دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای جهت حفظ امنیت اسرائیل بوده است.

در حال حاضر اسرائیل با حمایت کم‌سابقه ایالات متحده به رهبری دونالد ترامپ، طیف گسترده‌ای از استراتژی‌ها را در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران و جهت محدودسازی فعالیت هسته‌ای و موشکی این کشور، فرارو دارد. استراتژی حمایت از افزایش فشار مضاعف و تحریم‌های بین‌المللی (و یا یک جانبه آمریکا) علیه ایران در دسترس‌ترین و کم هزینه‌ترین استراتژی جهت مقابله با توسعه برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد که قابلیت به کارگیری هم‌زمان با دو استراتژی دیگر را دارا است. البته به طور خاص از سال ۲۰۱۰ تاکنون، طرح حمله نظامی محدود و مستقل توسط اسرائیل نیز به طور جدی مطرح شده است (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۴)، البته حمله نظامی می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از حمله نظامی محدود تا حمله نظامی سراسری همراه با حمایت از افزایش فشار و تحریم را در برگیرد.

طرف‌داران اقدامات سخت‌تر-بالاخص در اسرائیل- برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای استدلال می‌کنند که ما نمی‌توانیم با توجه به موانع سیاسی استفاده از نیروی نظامی در واشنگتن و اقدام به هنگام، کاملاً مطمئن شویم که محدودیت‌های موجود در زمان مناسب برای ایالات متحده عمل می‌کنند؛ با این حال، این دیدگاه فرض می‌کند که بازدارندگی موفقیت‌آمیز در این مورد، نیاز به حصول اطمینان در مورد برنامه هسته‌ای ایران دارد که در صورت شکست تلاش‌های سیاسی، برنامه هسته‌ای ایران با نیروی قهریه متوقف خواهد شد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه فرض بر این است که رهبران ایران برنامه‌های مشخص را برای دستیابی به یک سلاح هسته‌ای به طور جدی پی‌گیری می‌نمایند (Reardon, 2017). همچنین برای ایران نیز می‌توان سه استراتژی، اعم از پایبندی به برجام و عدم توسعه برنامه هسته‌ای جهت محدودسازی اقدامات احتمالی به تاسیسات هسته‌ای و خاک اسرائیل و متحدان (به‌شکل مستقیم یا نیابتی)، را در نظر گرفت.

حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به افغانستان (۲۰۰۱) و سپس عراق (۲۰۰۳) که محدودسازی قدرت منطقه‌ای ایران را به عنوان یکی از اهداف فرعی خود دنبال می‌کرد، با نتایج و پیامدهای منطقه‌ای شگفت‌انگیزی مواجه شد؛ ایالات متحده آمریکا عملاً با حذف رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران-رژیم بعث عراق به رهبری صدام حسین و حکومت طالبان در افغانستان- دست بالا را در رقابت‌های منطقه‌ای میان چهار دولت ایران، ترکیه و عربستان و اسرائیل، به ایران داد، تا عملاً موضع ایران و متحدین این کشور در منطقه را در قبال اتخاذ

استراتژی برخورد نظامی با اسرائیل و متحدان و یا تشدید برنامه هسته‌ای و برخورد نظامی با اسرائیل و متحدان، ناخواسته تقویت نماید.

در همین ارتباط موسسه بررسی و مطالعات امور مهم بین‌المللی، در گزارش تحلیلی و تحقیقاتی از موقعیت منطقه‌ای ایران نوشت: موقعیت منطقه‌ای ایران کلید اصلی قدرت آن است... موفق نبودن اسرائیل در شکست حزب‌الله، موضع ایران را به‌عنوان نقطه مرکزی منطقه در مقابل سیاست تحت رهبری آمریکا استحکام بخشید و چنانچه ایران به‌طور جدی تهدید شود، این پتانسیل را دارد که آشفتگی کنونی منطقه را بیشتر برانگیزد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۳).

اما با روی کار آمدن دولت راست‌گرای دونالد ترامپ و محدودسازی بی سابقه ایران در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی و نهایتاً خروج این کشور از برجام و برقراری تحریم‌های بسیار گسترده اقتصادی از یک‌سو و خروج بخش مهمی از نیروهای نظامی ایالات متحده از سوریه، عراق و افغانستان از سوی دیگر، موازنه قوا در منطقه خاورمیانه را به نفع قدرت‌های منطقه‌ای بالاحص اسرائیل جابجا نموده و در نتیجه گزینه‌های ایران را برای گزینش استراتژی مناسب در این بازی عملاً بسیار محدود ساخته است.

در حال حاضر و متأثر از مجموعه عواملی که به تشریح آن پرداخته شد، ایران به دلیل نداشتن متحد قابل اتکا، چه در سطح نظام بین‌الملل و چه در سطح منطقه‌ای دچار نوعی خلأ امنیتی بوده، که به شکل فزاینده در حال گسترش است. بدین جهت با سرمایه‌گذاری گسترده نظامی (برنامه‌های توسعه موشک‌های بالستیک تهاجمی، توسعه بهیاده‌ها، خرید سیستم‌های دفاع موشکی از جمله تور ام وان اس ۳۰۰، برگزاری مانورهای پرهزینه از جمله پیامبر اعظم یک، پیامبر اعظم دو و غیره) پاسخی به خلأهای امنیتی خود در منطقه خاورمیانه داد؛ که تفسیری جز موازنه با هژمونی آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش (بالاحص اسرائیل) (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۸) نداشت. به نظر می‌رسد در چنین شرایط پیچیده‌ای که عرصه‌های اقتصادی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای برای ایران در حال تنگ‌تر شدن است، از سرگیری و توسعه برنامه هسته‌ای به همراه آزمایش موشک‌های بالستیک (میان برد) از یک‌سو و تقویت گروه‌های مورد حمایت ایران در عراق، عربستان، یمن و لبنان از سوی دیگر، به عنوان ابزاری جهت حفظ بقا و اهرمی جهت افزایش فشار بر ایالات متحده و اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آن‌ها در دستور کار ایران قرار گیرد.

در ضمن، علاوه بر شش استراتژی ایران و اسرائیل که در جدول شماره ۲، می‌توان برای دو بازیگر ایران و اسرائیل، استراتژی‌های دیگری نظیر اتخاذ هم‌زمان استراتژی حمایت از افزایش فشار تحریم‌ها و حمله محدود نظامی و یا حمایت از افزایش فشار تحریم‌ها و تهاجم سراسری از سوی اسرائیل و متحدان، و خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله اسرائیل و متحدان از سوی ایران و یا این‌که هیچ یک از حالت‌ها برای هیچ یک از بازیگران رخ ندهد (حفظ وضعیت موجود)، را در نظر گرفت.

جدول (۲) استراتژی‌های ایران و اسرائیل در منازعه هسته‌ای ایران

بازیگر	استراتژی (راهبرد) های فرارو	توضیحات
اسرائیل	۱. حمایت از افزایش فشار و تحریم‌های بین‌المللی (و یا یک‌جانبه آمریکا) علیه ایران	این استراتژی شامل حمایت از افزایش تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و همچنین افزایش فشار برای همراه ساختن جامعه جهانی و کشورهای ناقض تحریم‌های ایران مانند چین، روسیه، عراق، ترکیه و کره جنوبی برای اعمال تحریم‌های هرچه بیشتر و فشار حداکثری بر ایران.
	۲. حمله محدود نظامی به مواضع هسته‌ای به‌طور مستقل	
	۳. تهاجم سراسری با مشارکت آمریکا و برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس (با محوریت ایالات متحده آمریکا)	تهاجم سراسری اسرائیل با ایران احتمالاً با مشارکت برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و همکاری فعال آمریکا و همچنین درگیری همه‌جانبه و توأم با لبنان، حماس و سوریه همراه خواهد بود. اگر کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عربستان، بحرین، کویت و امارات خاک خود را برای حمله به ایران در اختیار ایالات متحده و متحدان قرار دهند، این درگیری متوجه آن‌ها نیز خواهد بود.
ایران	۱. پایبندی به برجام و عدم توسعه برنامه هسته‌ای (پس از پایان دوران محدودیت)	این استراتژی می‌تواند راهبردی محتاطانه برای اعتمادسازی مضاعف و همراهی با کشورهای اروپایی جهت محدودسازی اقدامات اسرائیل و آمریکا و راهکارهای برای دستیابی به توافقات آتی منطقه‌ای بین‌المللی باشد.
	۲. خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای (بدون محدودیت)	این استراتژی شامل خروج رسمی از توافق برجام، راه‌اندازی و توسعه محدود سایت فرد و افزایش نامحدود غنای اورانیوم است.

توضیحات	استراتژی (راهبرد) های فرارو	بازیگر
این استراتژی شامل حمله گسترده و موشکی و زمینی به خاک اسرائیل و حمله به مواضع ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای این کشور در منطقه - صرف‌نظر از همراهی و عدم همراهی لبنان، حماس و سوریه- خواهد بود.	۳. حمله موشکی و سراسری به خاک اسرائیل و متحدان (به شکل مستقیم یا نیابتی)	

حالات مختلف بازی

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در سال‌های پس از ۲۰۱۶ (به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا)، بازی میان ایران و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، علاوه بر این که بسیار پیچیده‌تر شد، حالت‌های بیشتری را به خود گرفت و دارای اولویت‌های جدیدی نیز شد که برای تحلیل دقیق این بازی باید آن‌ها را در نظر گرفت. بر این اساس و همانگونه که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، برپایه استراتژی‌هایی که دو بازیگر ایران و اسرائیل می‌توانند اتخاذ کنند، ۳۰ حالت (وضعیت) مختلف برای این بازی می‌توان متصور بود. در این بازی انتخاب هر استراتژی با عدد ۱ و عدم انتخاب آن را با عدد ۰ مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، حالت E (با شماره ۵ در جدول شماره ۳) در صورتی به وقوع خواهد پیوست که ایران در برابر حمایت از افزایش فشار و تحریم‌ها همراه با حمله سراسری اسرائیل و متحدان، هیچ واکنشی از خود نشان ندهد. همچنین در این جدول برای هر حالت (وضعیت) به اختصار عنوانی انتخاب شده که در جدول شماره (۴) اجمالا به توضیح هر عنوان پرداخته شده است.

جدول (۳) حالات مختلف بازی با انتخاب استراتژی‌های مختلف از سوی ایران و رژیم صهیونیستی

نتایج																										حالات بازی	بازیگر				
۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	حمایت از افزایش و فشار تحریم	اسرائیل			
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	حمله محدود					
۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	حمله سراسری					
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	پایبندی به برجام و عدم توسعه	ایران				
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خروج از برجام و توسعه					
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	حمله به اسرائیل					
w	v	U	T	S	R	پ	ق	Q	P	O	N	ل	م	M	L	K	J	گ	ه	H	G	F	E	س	د	D	C	B	A	عنوان حالت (وضعیت)	
۰۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	شماره حالت (وضعیت)	

جدول (۴) شماره-حالت استراتژی‌های ایران و اسرائیل

A	حفظ وضعیت موجود	۱
B	افزایش فشار و تحریم و عدم واکنش ایران	۲
C	حمله محدود و عدم واکنش ایران	۳
D	حمله سراسری و عدم واکنش ایران	۴
Đ	افزایش فشار و تحریم همراه با حمله سراسری و عدم واکنش ایران	۵
Ć	افزایش فشار و تحریم همراه با حمله محدود و عدم واکنش ایران	۶
E	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و عدم واکنش اسرائیل	۷
F	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و افزایش فشار و تحریم از سوی اسرائیل	۸
G	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و حمله محدود اسرائیل	۹
H	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و حمله سراسری اسرائیل	۱۰
Ĥ	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله سراسری اسرائیل	۱۱
Ĝ	عدم توسعه برنامه هسته‌ای ایران و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله محدود اسرائیل	۱۲
J	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و عدم واکنش اسرائیل	۱۳
K	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و افزایش فشار و تحریم از سوی اسرائیل	۱۴
L	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و حمله محدود اسرائیل	۱۵
M	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و حمله سراسری اسرائیل	۱۶
Ĺ	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله سراسری اسرائیل	۱۷
Ľ	خروج ایران از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله محدود اسرائیل	۱۸
N	حمله به اسرائیل و متحدان و عدم واکنش اسرائیل	۱۹
O	حمله به اسرائیل و متحدان و افزایش فشار و تحریم از سوی اسرائیل	۲۰
P	حمله به اسرائیل و متحدان و حمله محدود اسرائیل	۲۱
Q	حمله به اسرائیل و متحدان و حمله سراسری اسرائیل	۲۲
Œ	حمله به اسرائیل و متحدان و حمله سراسری اسرائیل همراه با افزایش فشار و تحریم	۲۳
Ŕ	حمله به اسرائیل و متحدان و حمله محدود اسرائیل همراه با افزایش فشار و تحریم	۲۴
R	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله اسرائیل و متحدان و عدم واکنش اسرائیل	۲۵
S	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله به اسرائیل و متحدان و افزایش فشار و تحریم	۲۶
T	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله به اسرائیل و متحدان و حمله محدود اسرائیل	۲۷
U	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله به اسرائیل و متحدان و حمله سراسری اسرائیل	۲۸
V	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله به اسرائیل و متحدان و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله سراسری اسرائیل	۲۹
W	خروج از برجام و توسعه برنامه هسته‌ای همراه با حمله به اسرائیل و متحدان و افزایش فشار و تحریم همراه با حمله محدود اسرائیل	۳۰

برای روشن‌تر شدن مطالب جداول شماره (۳) و (۴)، توجه به نکات زیر ضروری رهگشا خواهد بود:

۱. تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی همواره به عنوان مهم‌ترین شاخصه فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است و ایالات متحده و اسرائیل چه به صورت مستقیم و چه به وسیله لابی‌های یهودی (صهیونیستی) بانفوذ و اعراب در این زمینه نقش پررنگی را ایفا نموده‌اند. براین پایه، اسرائیل با همراهی ایالات متحده، دیگر بازیگران درگیر در برنامه هسته‌ای مانند چین، روسیه و هند را به دلیل همکاری راهبردی با ایران، به شدت تحت فشار قرار داده‌اند (CS Monitor, 2010).

۲. برچیدن تمامی تاسیسات هسته‌ای و توقف برگشت ناپذیر برنامه هسته‌ای ایران - با توجه به تاکیدات مکرر رهبر جمهوری اسلامی ایران مبنی بر برگشت ناپذیر بودن راهی که ایران در مسیر دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای در پیش گرفته است و نقش انکار ناپذیری که ایشان در تبیین سیاست‌های کلی نظام برعهده دارند - برای ایران بی معناست. بنابراین با وجود تاکیددی که اسرائیل بر این حالت دارد، لذا این حالت در نظر گرفته نشده است.

۳. توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در حالی که ایران رسماً با اسرائیل وارد جنگ شود، ایالات متحده ناگزیر به مداخله نظامی به نفع اسرائیل خواهد بود و نهایتاً در صورت تشدید منازعه، بریتانیا و برخی کشورهای غربی و برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در کنار یکدیگر علیه ایران و هم‌پیمانان منطقه آن - شامل: سوریه، حزب الله لبنان، حشد الشعبی در عراق، و احتمالاً حوثی‌های یمن - متحد خواهند شد.

۴. همراهی با راهبرد افزایش فشار حداکثری و مواجهه محدود نظامی با ایران جهت توقف کامل برنامه هسته‌ای، که خواسته اصلی اسرائیل در شرایط کنونی محسوب می‌شود، برای مهم‌ترین متحد این کشور یعنی ایالات متحده آمریکا، با محدودیت‌هایی روبروست. یکی از مهم‌ترین مسائلی که طی دهه گذشته ایالات متحده با آن روبرو بوده مبارزه با گروه‌های افراطی مانند داعش در خاورمیانه است. "مبارزه با ایران و داعش در خاورمیانه، اگر گزینه‌ای غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است" (Krepon, 2016).

۵. یکی از اصلی‌ترین عوامل موثر بر منازعه ایران و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، قابلیت بازگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای ایران به سطح قبل از توافق برجام و توسعه برنامه هسته‌ای تا حد رسیدن به تسلیحات هسته‌ای می‌باشد.

۶. تحولات اخیر منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۶ به بعد، ایران را در موقعیت خاصی قرار داده است؛ از مهم‌ترین این تحولات می‌توان به: برقراری تحریم‌های بی سابقه اقتصادی علیه ایران و گروه‌های وابسته به این کشور-نظیر حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن- خروج بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا از عراق، افغانستان، و سوریه و تقویت نیروی‌های نظامی در مجاورت سواحل جنوبی ایران و نزدیکی کم سابقه برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به اسرائیل در راستای همکاری جهت محدود سازی نفوذ منطقه‌ای ایران، اشاره نمود، که تا حدودی ظرفیت‌های سیاسی و نظامی ایران را در سوریه، عراق، یمن، لبنان و فلسطین و در نتیجه توان ایران را برای هدف قرار دادن اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان این کشور را در خاورمیانه، محدود نموده است.

شناسایی و انتخاب نقطه تعادل

پس از مشخص کردن حالات مختلف بازی با انتخاب استراتژی‌های مختلف از سوی دو بازیگر اصلی، به دنبال یافتن جواب و حل بازی هستیم و در این جا هدف از یافتن جواب، تبیین و تحلیل نحوه رفتار بازیکنان در موقعیت‌های مختلف این بازی می‌باشد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم که از میان ترکیب استراتژی‌های هر بازیکن با دیگر بازیکنان، که در آن استراتژی‌های بازیکن با دیگر بازیکنان معین شده، در عمل کدام ترکیب رخ می‌دهد و یا باید رخ دهد؛ آن ترکیب استراتژی که در عمل رخ می‌دهد را تعادل می‌گوییم. وقوع تعادل مرتبط با فروض رفتاری است که برای هر بازیکن در بازی قائل هستیم و آن فرض عقلانیت بازیکنان در بازی می‌باشد (رضوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۸۰).

ایده نقطه تعادل، مهم‌ترین ایده در نظریه بازی‌ها است که در کتاب "دانیل لیتل" این تعادل استراتژی با عنوان نقطه تعادل یا نقطه زین یاد شده است (بصیری و محمدی، ۱۳۹۳: ۴۹). وی نقطه تعادل را جفت استراتژی برای "الف" و "ب" تعریف می‌کند، که ترکشان و برگرفتن استراتژی دیگری، سود و زیان "الف" و "ب" را افزون‌تر نخواهد کرد (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۵).

در واقع، مفهوم تعادل کاملاً با مفروضه عقلانیت در ارتباط است؛ به این معنی که در بازی‌های عقلانیت که به صورت آگاهی عمومی در اختیار همه بازیگران قرار دارد، باعث پیدایش تعادل می‌شود. در حالت تعادل، بازیگران با آگاهی کامل از پیامدهای حاصل از انتخاب گزینه‌های خود و باور درست نسبت به انتخاب دیگر بازیگران، بهترین انتخاب را انجام داده و به

حالتی دست می‌یابد که حرکت از آن به حالت دیگر که متضمن انتخاب‌های پائین‌تر از سطح بهینه است موجب می‌شود که پیامد هر بازیگر نسبت به حالت تعادل کاهش یابد (عبدلی، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۵). براین اساس نقطه تعادل در این بازی، وضعیتی است که هیچ‌یک از دو بازیگر اصلی - ایران و اسرائیل - علاقه‌ای برای تغییر در انتخاب استراتژی خود نداشته باشند.

اگر برای یافتن ترتیب اولویت‌های ایران، صحبت‌های رهبر انقلاب ایران را به عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیر در این زمینه (و دیگر سیاست‌های کلی نظام) ملاک قرار دهیم، "لذا با توجه به اظهارات ایشان مبنی بر عدم امکان عقب‌نشینی از مواضع به هر قیمتی و ادامه راهی که در هسته‌ای شدن ایران در پیش گرفته شده است" (نوربخش، ۱۳۹۴: ۱۰۳)، می‌توان دریافت که تمامی حالات مربوط به خروج از برجام و توسعه، نسبت به حفظ وضعیت موجود و حفظ وضعیت موجود نسبت به پایبندی به برجام و عدم توسعه و همچنین پایبندی به برجام و عدم توسعه (پذیرش داوطلبانه محدودیت و عدم توسعه برنامه هسته‌ای پس از پایان دوران محدودیت) نسبت به برخورد نظامی ترجیح دارد. لازم به ذکر است بر پایه نگاه راهبردی و امنیتی رهبر انقلاب و پیوندی که در حال حاضر برنامه هسته‌ای ایران با مسائل هویتی نظام برقرار کرده است، در محاسبات و جداول این بازی، استراتژی توقف کامل برنامه هسته‌ای اصولاً از دستور کار خارج بوده و در نظر گرفته نشده است. این ترتیب در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول (۵) ترتیب اولویت‌های ایران

حالت د (برخورد نظامی)			حالت ج (پایبندی به برجام و عدم توسعه)													حالت ب (حفظ وضعیت موجود)		گروه الف (خروج از برجام و توسعه)												
30	29	28	27	26	25	24	23	22	21	20	19	18	17	16	15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	اولویت
Đ	D	Ć	C	Q	Q	P	P	O	N	H	H	G	G	F	E	B	A	V	U	W	T	S	R	M	M	L	L	K	j	حالت

جدول (۶) ترتیب اولویت‌های اسرائیل

حالت د (برخورد نظامی و توسعه هسته‌ای)											حالت ج (برخورد نظامی)							حالت ب (حفظ وضعیت موجود)		گروه الف (پایبندی به برجام و عدم توسعه)										
30	29		27	26	25	24	23	22	21	20	19	18	17	16	15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	اولویت
R	N	S	U	V	T	W	J	K	M	M	L	L	O	Q	Q	P	P	D	D	C	C	A	B	H	H	G	G	E	F	حالت

اما از نگاه اسرائیل این موضوع کاملاً متفاوت است؛ برای درک این منظور باید از دید منافع اسرائیل به صحنه بازی بنگریم. براین اساس، در زمینه ترتیب اولویت‌های اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، می‌توان اظهار داشت با عنایت به این‌که راهبرد کلی اسرائیل جلوگیری از توسعه و توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حتی به قیمت جنگ (محدود یا سراسری) می‌باشد، کلیه‌ی حالات عدم توسعه‌ی برنامه هسته‌ای نسبت به برخورد نظامی، و نیز برخورد نظامی نسبت به برخورد نظامی و توسعه برنامه هسته‌ای مرجح است، زیرا همان‌گونه که پیشتر نیز بر آن تاکید شد، اسرائیل، ایران هسته‌ای را به مثابه تهدید فوری برای موجودیت و حفظ تمامیت سرزمینی خود (مساله بقا) تلقی می‌نماید.

به عبارت دیگر، مفروض اسرائیل بر این موضوع تاکید دارد که هدف اول فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نابودی اسرائیل خواهد بود که به‌نوعی نشان از حمایت آمریکا و اسرائیل از یکدیگر در موضوع هسته‌ای ایران دارد و سیاست‌های متفاوت آمریکا را آشکار می‌کند که اسرائیل با وجود سلاح هسته‌ای همچنان رژیم‌ی صلح‌آمیز تلقی می‌شود و ایران به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌هایش از سوی آمریکا تهدید هسته‌ای به‌شمار می‌رود و در نهایت قدرت کنش کلامی را به اجرا می‌گذارد (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۳۶۱). ترتیب این اولویت‌ها در جدول شمار (۶) آورده شده است.

در تعیین اولویت‌های گروه "الف" باید توجه داشت که حتی در صورت پذیرش عدم توسعه برنامه هسته‌ای از سوی ایران-که تحقق این حالت در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد- و علیرغم هزینه‌هایی که اعمال فشار و حمایت از افزایش تحریم‌ها برای اسرائیل در خواهد داشت، به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای میان دو بازیگر و تهدیدی وجودی که اسرائیل به دلیل حمایت ایران از سازمان‌هایی نظیر حزب الله لبنان و حضور نظامی در مرزهای سوریه و اتخاذ سیاست‌های ضد اسرائیلی در منطقه درک می‌نماید، حالت F نسبت به حالت E در اولویت قرار دارد.

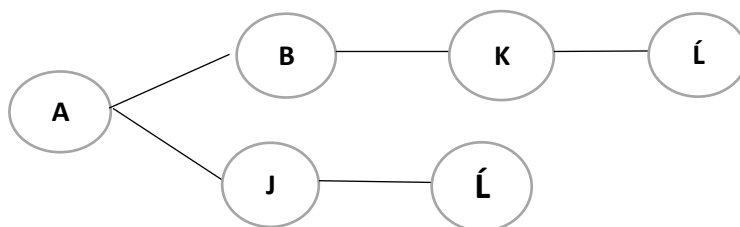
پیش از بررسی جدول شماره (۷)، باید در نظر داشت که نظریه بازی‌ها به دنبال این سوال است که یک بازیگر چقدر می‌تواند یک الگوی منطقی و رسمی ارائه دهد؟ و یا اینکه بازیگران چه راهبردی را در پیش گیرند که بدون توسل به جنگ به منافع خود دست پیدا نمایند؟ در پاسخ به این سوال نظریه بازی‌ها چندین فرضیه را مطرح می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف: هر بازیگر عقلانی حتی به قیمت جنگ سعی خواهد کرد که منافع خود را تامین کند، ب: چنانچه بازیگران به استراتژی رقبای خود توجه و منافع مشترک را در نظر داشته باشند، می‌توانند بدون هزینه، چانه‌زنی کنند و از جنگ و برخورد نظامی خودداری کنند (بصیری و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰).

براین اساس، جهت یافتن نقطه تعادل، بازی را از نقطه A شروع می‌کنیم. در این وضعیت مطابق ستون هفتم جدول شماره (۷)، ایران باید بر اساس اولویت‌های خود در جدول شماره (۵) و در راستای حداکثر نمودن منافع خود، فوراً بازی را به حالت J ببرد؛ که شامل وضعیتی است که ایران از برجام خارج شده و برنامه هسته‌ای را بدون محدودیت توسعه خواهد داد و در مقابل اسرائیل واکنشی از خود نشان ندهد. در مقابل اسرائیل بر اساس اولویت‌های خود در جدول شماره ۶ و در راستای حداکثر نمودن منافع خود، باید فوراً بازی را به حالت B ببرد؛ که شامل وضعیتی است که فشارهای سیاسی و اقتصادی افزایش یافته و ایران هیچ گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دهد. به همیت ترتیب انتخاب حالات J و B برای ایران و اسرائیل پاسخ‌های راهبردی L و K را از سوی بازیگر مقابل در پی خواهد داشت. و نهایتاً با گزینش حالت K اولویت بعدی اسرائیل L خواهد بود.

همانگونه که در بخش شناسایی و انتخاب نقطه تعادل نشان دادیم، در طی هر بازی بازیگران به حالتی دست می‌یابند که حرکت از آن به حالت دیگر که متضمن انتخاب‌های پائین‌تر از سطح بهینه است و موجب می‌شود که پیامد هر بازیگر نسبت به حالت تعادل کاهش یابد. براین اساس نقطه تعادل در این بازی، وضعیتی است که هیچ‌یک از دو بازیگر اصلی - ایران و اسرائیل - علاقه‌ای برای تغییر در انتخاب استراتژی خود نداشته باشند. به نظر می‌رسد با رسیدن به حالت L، دو بازیگر پاسخ راهبردی جایگزینی که به نقطه بهینه بالاتری منجر شود، نداشته باشند و در نتیجه بازی در نقطه L موقتا متوقف می‌شود و در نتیجه بر اساس نظریه بازی‌ها حالت L، نقطه تعادل این بازی می‌باشد، این حالت شامل خروج ایران از برجام و توسعه بدون محدودیت برنامه هسته‌ای، و حمایت از افزایش فشارهای همه جانبه و تحریم‌های

یک‌جانبه و چند جانبه اقتصادی همراه با حمله محدود نظامی به تاسیسات هسته‌ای و نظامی از سوی اسرائیل است. در نمودار درختی زیر به مسیری که دو بازیگر با طی مسیری متفاوت به نقطه تعادل L می‌رسند، پرداخته شده است:



نمودار (۱) مسیر رسیدن به نقطه تعادل

به‌نظر می‌رسد این وضعیت علاوه بر این که بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه پرآشوب خاورمیانه دامن زده و امنیت انرژی و ترانزیت انرژی از تنگه هرمز را مخاطرات جدی مواجه خواهد کرد، در میان مدت پای برخی قدرت‌های غربی و بالاخص ایالات متحده آمریکا، و حتی برخی رقبای منطقه‌ای ایران مانند عربستان سعودی را به این منازعه خواهد گشود.

در انتها توجه به عایدی هریک از بازیگران از انجام این بازی، ضروری به‌نظر می‌رسد. در این زمینه باید در نظر داشت منافع ناشی از دستاوردهای هر استراتژی در ارتباط با ذهن است و باید رضایت ذهنی در پی داشته باشد. دستاوردها (عایدی‌ها) ممکن است برای بازیکنان مختلف بسته به نظام ارزشی حاکم، و حتی شرایط داخلی آن‌ها تفسیر متفاوتی داشته باشد. بر این اساس، علی‌رغم مفروض اسرائیل که شامل جلوگیری از کلیه حالات توسعه برنامه هسته‌ای ایران (در راستای از میان برداشتن هرگونه تهدید وجودی علیه موجودیت خود) می‌باشد، با گسترش این منازعه و رسیدن به نقطه L ، عایدی اسرائیل از انجام این بازی در تضاد آشکار با اهداف این پیش فرض قرار دارد. در مورد ایران نیز باید در نظر داشت، افزایش تحریم‌های بین‌المللی و یا تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، آسیب‌های جدی به زیرساخت‌های اقتصادی و حتی دفاعی کشور وارد خواهد کرد و علی‌رغم عایدی که انتخاب نقطه L به عنوان نقطه آغازین بازی توسط ایران در زمینه دفاع از حقوق هسته‌ای و ادامه رویکرد عدم عقب‌نشینی از مواضع هسته‌ای، برای این بازیگر در پی خواهد داشت، می‌تواند موجودیت نظم را در بلند مدت با

مخاطرات جدی مواجه سازد. بدین ترتیب دو بازیگر، علی‌رغم پیش‌فرض‌های اولیه و بر اساس شرایط حاکم بر ساختار بازی و گزینه‌های موجود، به نقطه‌ای خواهند رسید که برای هیچ‌یک مطلوبیت لازم را نداشته و براین اساس، نقطه A ، تعادلی بسیار ناپایدار تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

قدرت متوسطی همچون ایران، که گرفتار رقابت‌های ظاهراً بی‌پایان منطقه‌ای با رقبای نسبتاً سفت و سختی شده که در حال حاضر بیش از هر زمانی به سمت ائتلاف برای محدودسازی و حتی حمله نظامی به ایران پیش می‌روند، براساس رویکرد واقع‌گرایی، همواره با تنگناهای پیچیده امنیتی مواجه خواهد بود. چرا که در این زیر سیستم، ایران، عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه، هر یک درصدد به حداکثر رساندن قدرت خیش در زیر سیستم خاورمیانه هستند. در این میان مناقشه ایران و اسرائیل به دلایلی نظیر تشدید منازعه برسر برنامه هسته‌ای، افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و تضاد بنیادین قدرت هژمونیک نظام بین‌الملل (ایالات متحده آمریکا) با ایران و همسویی آن با اسرائیل در این زمینه از اهمیت دوچندان برخوردار است. براین پایه، در پژوهش حاضر کوشش شده با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل وضعیت فعلی منازعه ایران و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای ایران و پیش‌بینی محتمل‌ترین راهبردهای آن‌ها در زمینه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از نظریه بازی‌ها پرداخته شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که منازعه ایران و اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای، یک بازی پویاست؛ زیرا دو بازیکن اصلی درگیر در این بازی، همانند بازی معمای زندانی هم‌زمان حرکت نمی‌کنند، بلکه به صورت متوالی و پشت سرهم و متناسب با تصمیم طرف مقابل تصمیم می‌گیرند.

نتایج این تحقیق نشان داد که با توجه به اظهارات رهبر انقلاب-به‌عنوان تعیین‌کننده سیاست‌های کلی نظام- مبنی بر عدم امکان عقب‌نشینی از مواضع به هر قیمتی و ادامه راهی که در هسته‌ای شدن ایران در پیش گرفته شده است^{۱۱}، می‌توان دریافت که تمامی حالات مربوط به خروج از برجام و توسعه، نسبت به حفظ وضعیت موجود و حفظ وضعیت موجود نسبت به پایبندی به برجام و عدم توسعه و همچنین پایبندی به برجام و عدم توسعه نسبت به برخورد نظامی ترجیح دارد. اما در زمینه ترتیب اولویت‌های اسرائیل در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، می‌توان اظهار داشت با توجه به این‌که مفروض اسرائیل بر این موضوع تاکید دارد که هدف اول فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نابودی اسرائیل خواهد بود که به‌نوعی نشان از حمایت

آمریکا و اسرائیل از یکدیگر در موضوع هسته‌ای ایران دارد و سیاست‌های متفاوت آمریکا را آشکار می‌کند که اسرائیل با وجود سلاح هسته‌ای همچنان رژیم صلح‌آمیز تلقی می‌شود و ایران به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌هایش از سوی آمریکا تهدید هسته‌ای به‌شمار می‌رود و در نهایت قدرت کنش کلامی را به اجرا می‌گذارد. براین اساس، با عنایت به این‌که راهبرد کلی اسرائیل جلوگیری از توسعه و توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حتی به قیمت جنگ (محدود یا سراسری) می‌باشد، کلیه‌ی حالات عدم توسعه‌ی برنامه هسته‌ای نسبت به برخورد نظامی، و نیز برخورد نظامی نسبت به برخورد نظامی و توسعه برنامه هسته‌ای مرجح است؛ زیرا اسرائیل، ایران هسته‌ای را به مثابه تهدید فوری برای موجودیت و حفظ تمامیت سرزمینی خود (مساله بقا) تلقی می‌نماید.

به نظر می‌رسد خروج آمریکا از برجام و اعمال یک‌جانبه تحریم‌های گسترده مالی-که به هدف تضعیف و به زانو درآوردن اقتصاد ایران وضع شده است-که با استقبال و همکاری دولت‌های همسو با آمریکا در منطقه خاورمیانه همراه بوده به همراه افزایش فشار اسرائیل جهت توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران از یک‌سو، و موازنه ناکام ایران در برابر ساختار هژمونیک قدرت، هزینه‌های بسیار سنگینی را در زمینه‌های مالی مانند خروج شرکت‌های بین‌المللی از پروژه‌های نفت و گاز-که برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار است- و خودروسازی و یا تحریم‌های مربوط به فروش نفت و محصولات پتروشیمی و محدودیت‌ها و تحریم‌های بانکی و مالی که زیر ساخت‌های حیاتی ایران را هدف گرفته‌اند و نهایتاً فشار و محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران را در پی داشته است.

بنابراین بر اساس مطالب و نتایج جداول پژوهش حاضر و حتی با فرض پایدار شدن نقطه تعادل در حالت ل، بازی منازعه ایران و اسرائیل، پتانسیل برده شدن به نقطه تعادل جدید را داراست؛ از این‌رو برای کاهش تنش و حل برخی ابعاد چالش هسته‌ای بین ایران و اسرائیل، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- اسرائیل ضمن اجتناب از فشار بر آمریکا و دیگر دولت غربی برای اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و ایجاد فشار حداکثری بر ایران، بر اقدامات تحریک‌آمیزی مانند ائتلاف‌سازی با برخی کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس و یا حمایت از برخی گروه‌های تندروی مخالف نظام جمهوری اسلامی (نظیر سازمان مجاهدین خلق)، پایان دهد.

- اسرائیل ضمن خودداری از اقدامات نظامی علیه نیروی نظامی ایران در سوریه و لبنان، به اقدامات نظیر ترور دانشمندان هسته‌ای و یا نیروی نظامی وابسته به جمهوری اسلامی ایران پایان دهد.

- ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین حامی و هم‌پیمان اسرائیل، ضمن حذف کلیه تحریم‌های یک‌جانبه پایبندی به برجام و حذف گزینه اقدام نظامی و کاهش اقدامات تحریک‌آمیز در منطقه تضمین‌های امنیتی لازم را در قالب یک توافق جداگانه جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

- دولت نتانیاهو با در پیش گرفتن سیاست‌های افراطی و تنش‌زا نظیر الحاق بلندی‌های جولان به سرزمین‌های اشغالی که با محکومیت‌های جهانی مواجه شد و افزایش فشارهای اقتصادی و تشدید حملات نظامی به نوار غزه از یک‌سو و دولت ترامپ نیز با اتخاذ سیاست‌هایی نظیر حمایت از اقدام اسرائیل در زمینه الحاق بلندی‌های جولان، انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل به بیت المقدس، تشدید جنگ تجاری با چین، ژاپن و اروپا، خروج یک‌جانبه از توافق برجام و نهایتاً در پیش گرفتن سیاست‌های ملی‌گرایانه و ضد مهاجرتی از سوی دیگر، شکاف گسترده‌ای را در عرصه ملی و بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با گزینش راهبردهایی نظیر گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با برخی دولت‌های آسیایی و یا آمریکای لاتین که روابط اقتصادی کمتری با ایالات متحده آمریکا داشته و از آسیب‌پذیری کمتری نسبت به تحریم‌های یک‌جانبه این کشور برخوردارند از یک‌سو، و در پیش گرفتن سیاست‌های تنش‌زدایی و بهبود روابط با برخی دولت‌های عرب منطقه خلیج فارس از طریق روش‌های دیپلماتیک-نظیر میانجی‌گری کشور ثالث یا سازمان‌های بین‌المللی- از سوی دیگر، این شکاف را تشدید و یا آن را حفظ نماید.

- پرهیز از در پیش گرفتن اقدامات حساسیت برانگیز و اظهارات نسنجیده از سوی مقامات ایرانی؛ که نه تنها وجهه حقوقی روشنی را در پی ندارد، بلکه می‌تواند دست‌آویزی برای جلب حمایت برخی کشورهای غربی از سوی اسرائیل برای افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی حداکثری بر جمهوری اسلامی باشد.

- ایران در قبال تضمین امنیتی، کاهش نیروهای نظامی ایالات متحده در دو منطقه، اجتناب اسرائیل از اقدامات تهاجمی و تحریک‌آمیز، لغو کلیه تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه و نهایتاً عادی‌سازی روابط غرب، به توافق برجام پایبند بوده و نقش فعال‌تری را در کاهش تنش و ایجاد ثبات در خاورمیانه ایفا نماید.

در پایان باید اظهار داشت با در نظر گرفتن تغییرات بنیادینی که در معادلات منطقه‌ای و موازنه قدرت در خاورمیانه پس از همسویی دولت‌های راست‌گرا در اسرائیل، ایالات متحده و عربستان سعودی بوجود آمده و با توجه به روند شتابان تغییرات و تحولات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط زمانی کنونی، مدیران سیاسی و ساکنان داران دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی کشور باید خود را برای ایجاد تغییرات لازم در نگرش‌ها و دکترین سیاسی، امنیتی و نظامی خود بیش از پیش آماده کنند.

منابع

- احدی، افسانه. (۱۳۸۵). اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۱۳ (۲ و ۳): ۱۷۱-۱۸۸.
- احدی، افسانه. و دارابی، علی. (۱۳۹۶). رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران: مطالعه‌ای تطبیقی، *فصلنامه روابط خارجی*، ۹ (۱): ۳۳-۶۷.
- بصیری، محمدعلی. و محمدی، عطا. (۱۳۹۳). تحلیلی مساله اتمی ایران و غرب در چارچوب نظریه بازی‌ها، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، ۱۰ (۱): ۲۷-۴۶.
- بیلینس، جان. و اسمیت، استیو. (۱۳۸۸). *جهانی شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین*، مترجمین ابوالقاسم راه چمنی و همکاران، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ج ۱ و ۲.
- ترکاشوند، جلال. و مرادی، بهرام. (۱۳۹۰). ساختار نظام بین‌الملل و چگونگی برخورد با قدرت هسته‌ای ایران و رژیم صهیونیستی، *فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی*، ۱۱ (۴۱): ۱۵۱-۱۹۸.
- حاجتی، امیررضا. (۱۳۹۰). *امنیت هستی‌شناختی و رویکرد تعارضی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اسرائیل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- حسن بیگی، جعفر.، جعفری، ندا. و نیک فرجام. (۱۳۹۵). کاربرد نظریه بازی‌ها در حل مسایل بازی‌های دو نفره، *اولین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- دادگر، یدالله. (۱۳۸۷). ابعاد و عملکرد نظریه بازی‌ها در رشته‌های مختلف، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۴۷: ۱۰۱-۱۳۹.
- درویشی سه تلانی، فرهاد. و صاحبی، وجیهه. (۱۳۹۴). بررسی رویکرد احزاب سیاسی اسرائیل نسبت به برنامه هسته‌ای ایران مطالعه موردی: حزب لیکود و کادیم، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۴ (۲): ۲۱-۴۸.

- دودینگ، کیت. (۱۳۸۸)، قدرت، مترجم عباس مخبر، تهران: انتشارات آشیان.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۶). رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۱۴ (۲ و ۳): ۸۶-۵۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، علوی. و سید محمد علی. (۱۳۹۵). روند امنیتی‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاک، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵ (۱۷): ۵۸-۳۹.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۳). ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت و هویت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۷ (۳): ۱۷۱-۱۹۶.
- رضوی‌نژاد، سید امین. (۱۳۹۳). بررسی دیپلماسی هسته‌ای بین ایران و آمریکا براساس نظریه بازی‌ها، *فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت*، ۵ (۲): ۸۱-۶۷.
- رضوی‌نژاد، سید امین. (۱۳۹۳). بررسی دیپلماسی هسته‌ای بین ایران و آمریکا بر اساس نظریه بازی‌ها، *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، ۵ (۱۵ و ۱۶): ۶۷-۸۱.
- روشندل، جلیل. (۱۳۷۲). عناصر تئوری بازی‌ها، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۹: ۲۰۱-۲۱۷.
- سیمبر، رضا، رحم‌دل، رضا. و فلاح، مهسا. (۱۳۹۵). معمای امنیتی پرونده هسته‌ای ایران از منظر نواقع‌گرایی، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹ (۳۶): ۸۷-۱۰۶.
- شهبازی، الهام. (۱۳۹۳). ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه، *خرده‌نامه*، ۱۲: ۹۱-۱۱۲.
- صالحیان، تاج‌الدین. و سیمبر، رضا. (۱۳۹۷). منابع اجتماعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸ (۲۶): ۱۶۵-۱۸۶.
- طاهرخانی، ستاره. (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظریه بازی، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۵ (۱): ۲۱۹-۲۴۲.
- عابدینی، حسن. و ایزدی، جهانبخش. (۱۳۹۶). نقش متغیرهای داخلی بر سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت یازدهم، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۷ (۲۵): ۲۷۱-۲۸۹.
- عبدالله، عبدالمطلب. و اسماعیلی، مصطفی. (۲۰۱۰). راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟! (مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مساله هسته‌ای ایران)، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، ۲ (۷): ۱۰۳-۱۲۳.
- عبدلی، قهرمان. (۱۳۸۷). *نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- غنی لو، معصومه.، جعفری پابندی، سید فرشید. و وثوقی، سعید. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مفاهیم روابط بین‌الملل از منظر رئالیسم و مکتب انگلیسی، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۳ (۴۱): ۴۱-۵۹.

- قاسمی، مصطفی. (۱۳۷۸). راهبرد اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دین و سیاست، ۱۷ و ۱۸: ۱۲۳-۱۴۹.
- گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). دانش‌نامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، مترجم علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- گل‌پرور، مجید. و شهابی، مهدیه. (۱۳۹۰). کاربرد نظریه بازی‌ها در تبیین رقابت‌های انتخاباتی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۳ (۶): ۱۷۵-۲۰۲.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، مترجم عبدالکریم سروش، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی صراط.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۹۲). تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی، فصلنامه راهبرد، ۲۲ (۶۷): ۱۶۵-۱۹۲.
- مجیدی، محمدرضا. و ثمودی پیلهرود، علی‌رضا. (۱۳۹۳). تلاش‌های رژیم صیehونستی برای برسازی برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک تهدید، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰: ۱۹۱-۲۱۴.
- محسنی، سجاد. و صالحی، علی‌رضا. (۱۳۹۰). اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران (با نگاهی به مکتب کپنهاگ)، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۳): ۶۳۴-۶۱۳.
- محمودی‌نیا، داوود. دلالی اصفهانی، رحیم. انجوردا، جکوب. و بخشی دستجردی، رسول. (۱۳۹۵). نظریه بازی‌ها و نقش آن در تعیین سیاست‌های بهینه در تقابل استراتژیک بین سیاست‌گذار پولی و مالی (کاربردی از نظریه بازی‌های دیفرانسیلی و استاکلبرگ)، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۵ (۱۸): ۱-۳۴.
- مورگنتا، هانس جی. (۱۳۷۴). سیاست میان‌ملتها تلاش در راه قدرت و صلح، مترجم حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- میرحسینی، فرشته. و کوشکی، محمدصادق. (۱۳۹۶). علت‌کاوی گرایش ترکیه به برنامه هسته‌ای (۱۹۵۵-۲۰۱۶)، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۳۸: ۱۲۹-۱۵۳.
- میل، جان استوارت. (۱۳۸۸). فایده‌گرایی، مترجم مرتضی مردی‌ها، تهران: نشر نی.
- نوربخش، سید هادی. (۱۳۹۴). به کارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه راهبرد، ۲۴ (۷۴): ۸۹-۱۲۳.
- یکو، حمید. و سویلمی، مرتضی. (۱۳۹۶). جایگاه برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰ (۳۷): ۱۳۷-۱۷۱.

- CS Monitor, A. (2010). *Russia Suspends Iran Arms Sale Following Israeli PM's visit to muscow*, CS Monitor: <http://www.CS Monitor>.

- Krepon, M. (2016). Trump and the Bomb, US Nuclear Policy under the Next Administration. *Foreign Affairs Snapshot*, November, 20, 2016-1120.
- Kushner Rijpkema, M. (2010). *Shoud Israel After its policy of nuclear Ambiguity?* B.A. Government, strategy and Diplomacy, Interdisciplinary Center, Herzliya.
- Osborne, M. & Rubinstein, A. (1994). *A Course in game theory*. MIT ress, Cambridge, MA.
- -Reardon, R. J. (2017). Threat inflation and the Iranian nuclear program, *Energy Research & Social Science*, 24: 36-41.
- Weisser, A. D. (2016). *Israel and Iran: Past, present and future* (Doctoral dissertation, Georgetown University).